

# علم أصول الفقه

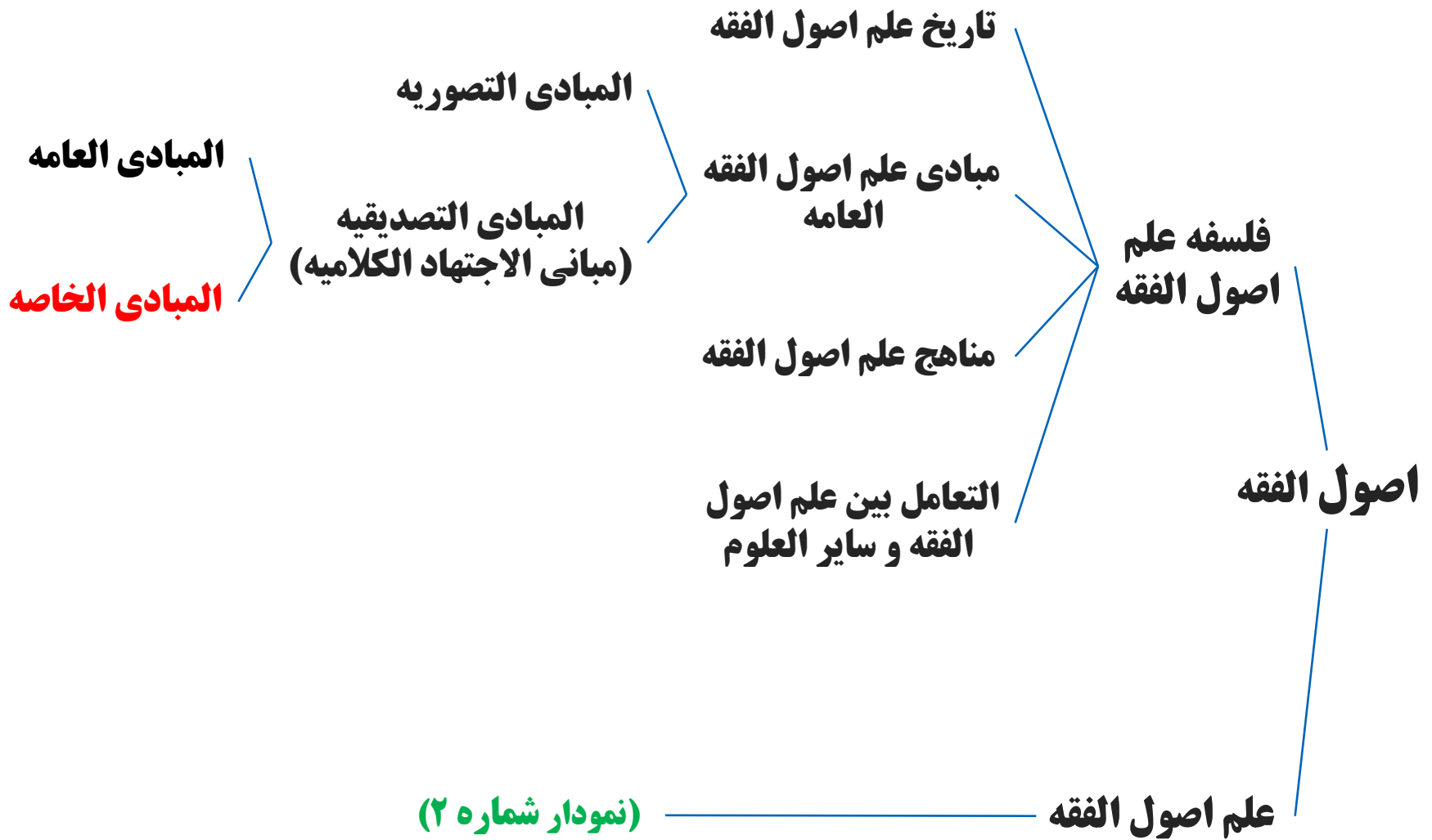
۲۹-۹-۹۰ مبادئ مختص تصديقي ۳۰

دراسات الأستاذ:  
مهدي الهادي الطهراني

(١١) كَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِخَوَاتِمِ الْخَيْرِ

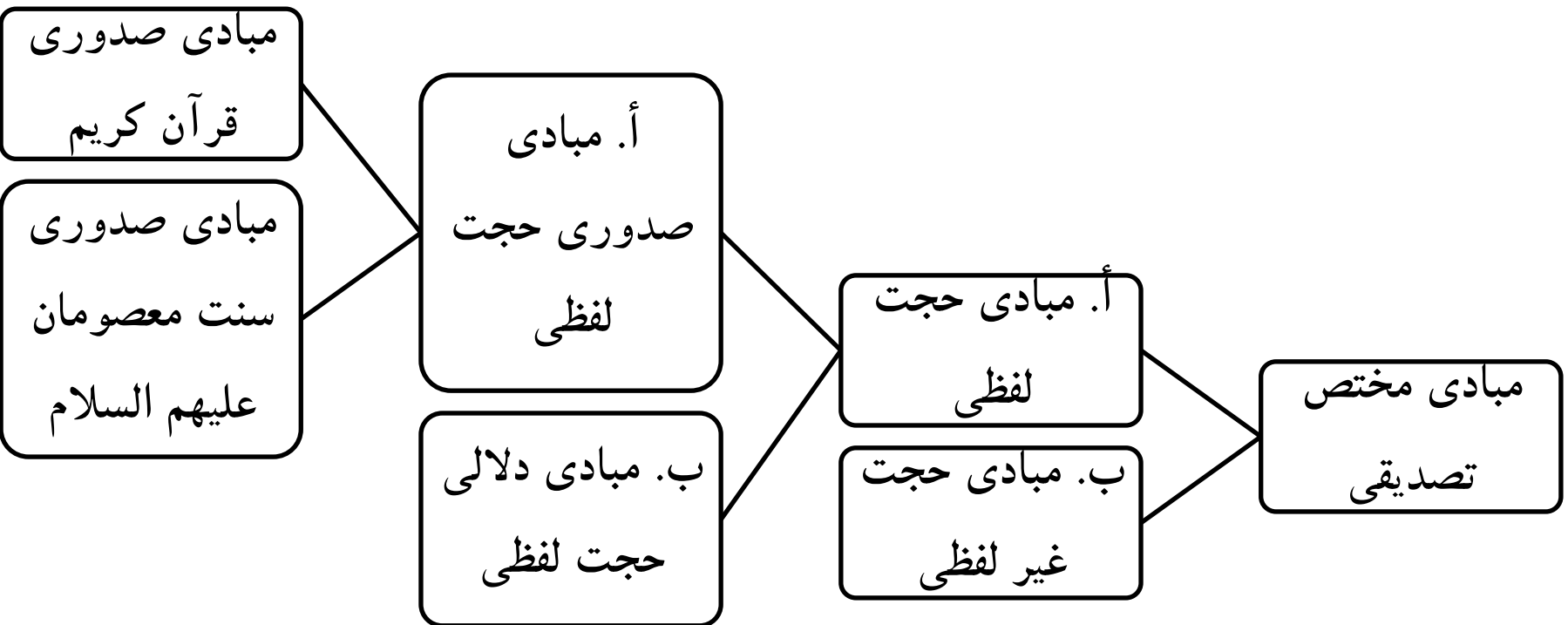
- (١) يَا مَنْ ذَكَرُهُ شَرَفٌ لِلذَّاكِرِينَ، وَيَا مَنْ شُكِرُهُ فَوْزٌ لِلشَّاكِرِينَ، وَيَا مَنْ طَاعَتْهُ نَجَاةٌ لِلْمُطِيعِينَ، صَلَّى عَلَيَّ مُحَمَّدٌ وَآلِهِ، وَاشْغَلَ قُلُوبَنَا بِذِكْرِكَ عَنْ كُلِّ ذِكْرٍ، وَالسِّنْتَنَا بِشُكْرِكَ عَنْ كُلِّ شُكْرٍ، وَجَوَّارِحَنَا بِطَاعَتِكَ عَنْ كُلِّ طَاعَةٍ.

(نمودار شماره ۱)



(نمودار شماره ۲)

علم أصول الفقه



# مبای صدوری قرآن کریم

۱. خدایی بودن قرآن

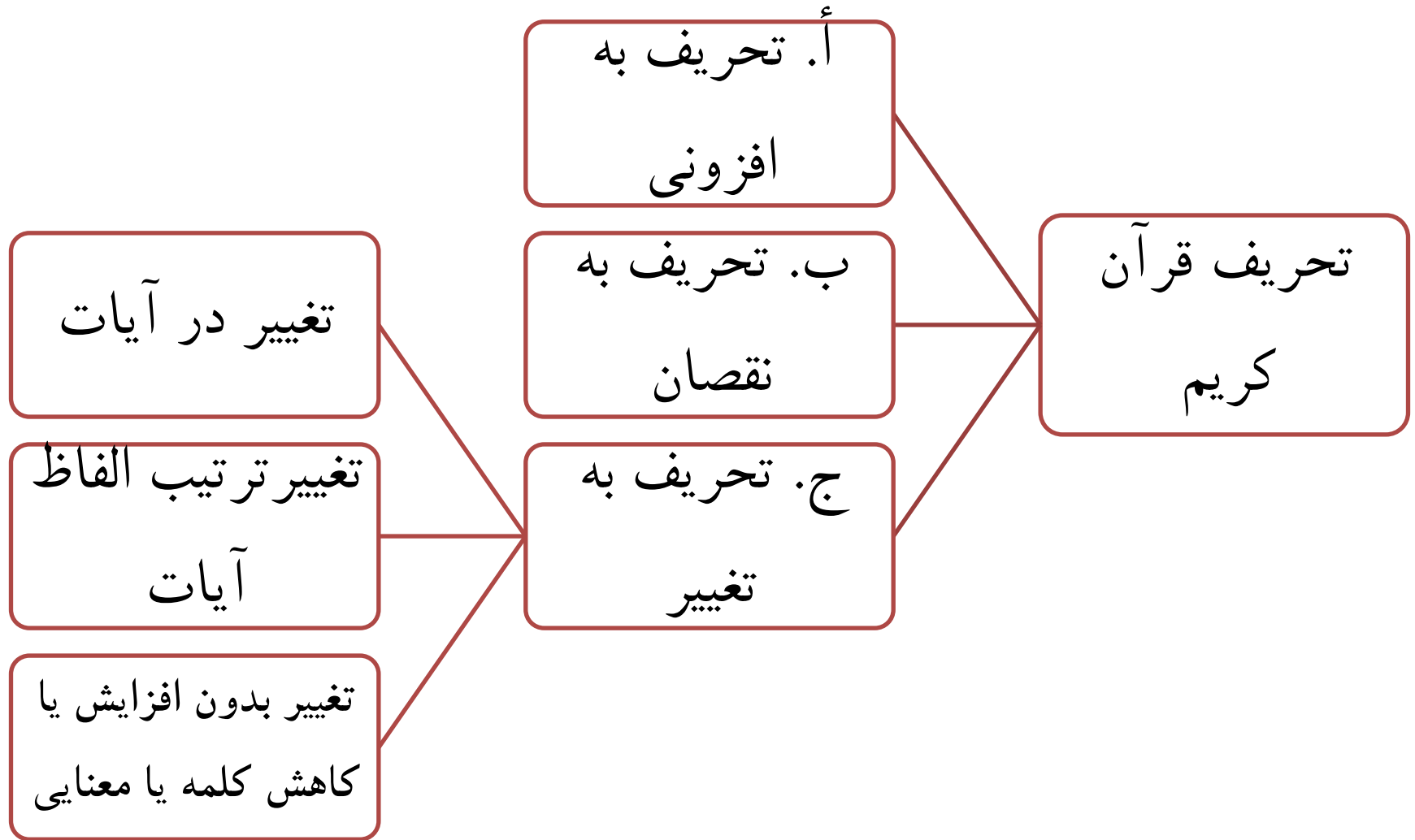
۲. مصونیت قرآن از تحریف

۳. عصمت وحی

۴. عصمت پیامبر اسلام ص

مبای  
صدوری قرآن  
کریم

# اشکال مختلف تحریف در قرآن



## تحریف در بین مدعیان آن

- در بین اقسام تحریف، آن قسمی که هم در بین شیعه و هم در بین اهل سنت قایل دارد، «تحریف به نقصان» است.
- اخباری‌ها از شیعیان و حشویه از اهل سنت بر این رأی هستند که آیات و بلکه سوره‌هایی از قرآن حذف شده‌اند.
- اما این که عبارتی از قرآن (اعم از آیات یا سوره‌ها) توسط دیگران بر قرآن افزوده شده باشد، یا پیامبر مطالبی از نزد خویش به قرآن اضافه کرده باشد؛ در بین مسلمانان قایل ندارد.

## تحریف در بین مدعیان آن

- برخی مستشرقان از قول اهل سنت روایاتی نقل کرده‌اند، مبنی بر این که برخی صحابه به قرآن چیزهایی افزوده‌اند که جزو قرآن نبوده است.
- گفته‌اند: وقتی خبر ارتحال پیامبر به خلیفه‌ی دوم رسید، وی به قصد کشتن خبر دهنده به او حمله کرد. خلیفه‌ی اول برای آرام کردن خلیفه‌ی دوم، آیه‌ی شریفه‌ی «انک میت وانهم میتون» [بی تردید تو می‌میری و مسلماً آنها می‌میرند] (الزمر : ۳۰) را تلاوت کرد.
- ادعای آن مستشرق این است که آیه‌ی شریفه از اضافاتی است که توسط خلیفه‌ی اول در قرآن صورت گرفته و قبل از آن جزو قرآن نبود.



## تحریف در بین مدعیان آن

- غیر از اضافات مذکور که توسط برخی مستشرقان صورت گرفته، اضافاتی را هم به خوارج و همچنین به عبد الله بن مسعود نسبت داده‌اند.

## تحریف در بین مدعیان آن

- گفته‌اند: خوارج سوره‌ی یوسف را (که احسن القصص قرآن است) جزو مواردی می‌دانند که به قرآن افزوده شده است.
- دلیلی که بر این ادعا نقل شده، عشقی بودن مضمون این داستان است.
- گفته‌اند: این داستان از مطالب عشقی که متناسب با شأن قرآن نیست، سخن می‌گوید.

## تحریف در بین مدعیان آن

- در مورد عبد الله بن مسعود گفته‌اند: وی معوذتین (دو سوره‌ی آخر قرآن) را از موارد اضافات وارد شده در قرآن می‌داند؛ زیرا در واقع این دو، دعا بوده و برای ابطال سحر به کار می‌رفته‌اند و کم‌کم به قرآن افزوده شده‌اند.

## تحريف در بين مدعيان آن

- المعوذتان من القرآن يجوز أن يقرأ بهما، و لا اعتبار بإنكار ابن مسعود «٦» للشبهة الداخلة عليه بأن النبي صلى الله عليه وآله كان يعوذ بهما الحسن و الحسين عليهما السلام «٧»، إذ لا منافاة بل القرآن صالح للتعوذ به لشرفه و بركته، و قال الصادق عليه السلام: «اقرأ المعوذتين في المكتوبة» «١» و صلى عليه السلام المغرب فقرأهما فيها «٢».
- (٦) المجموع ٣: ٣٩٦، الدر المنثور ٦: ٤١٦، تفسير الآلوسى ٣٠: ٢٧٩ (٧) مسند أحمد ٥: ١٣٠ (١) التهذيب ٢: ٩٦ - ٣٥٦. (٢) الكافي ٣: ٣١٤ - ٨ و ٣١٧ - ٢٦، التهذيب ٢: ٩٦ - ٣٥٧.

## تحریف در بین مدعیان آن

- خوب اگر خوارج را جزو مسلمانان به حساب آوریم و انتسابات ذکر شده، چه انتساب مربوط به خوارج و چه انتساب مربوط به عبد الله بن مسعود، را بپذیریم، می‌توانیم قول «تحریف به افزونی» را در بین مسلمانان پذیرا باشیم.
- اما اصل صحت این انتسابات چندان معلوم نیست.

## تحریف در بین مدعیان آن

- بنابراین آنچه در بین مسلمانان قایل دارد، فقط تحریف به نقصان است. منشأ این ادعا، روایاتی است که بر اساس یک سری زمینه‌های تاریخی، هم در جوامع شیعی و هم در جوامع سنی، پیدا شده است.

## تحریف در بین مدعیان آن

- روایاتی که اهل سنت در این زمینه نقل کرده و برای اثبات تحریف به آنها تمسک جست‌ه‌اند، از جهت تعداد به مراتب بیش از روایاتی است که شیعه در این زمینه نقل کرده است.
- همچنین از جهت کیفیت و سند، روایات اهل سنت بر اساس معیارهای خودشان به مراتب قوی‌تر از سند و منابع روایات شیعه (البته بر اساس معیارهای شیعی) است.
- یعنی روایات شیعه هم از حیث تعداد کمتر از روایات اهل سنت است و هم از نظر سند و منبع ضعیف‌تر است.

## تحریف در بین مدعیان آن

- مدعیان تحریف، حشویه و اخباری‌ها، در مکتب فکری مشابه هم هستند: هر دو ظاهری‌اند و به ظواهر متون احادیث عمل می‌کنند.
- تفاوت آنها در این است که یک گروه شیعه و طرفدار ائمه علیهم السلام و گروه دیگر سنی و منکر امامت امامان معصوم علیهم السلام هستند.
- اکثر جنابله به گفته‌ی بعضی علمای اهل سنت، حشویه بودند.



## تحریف در بین مدعیان آن

- ظاهری‌ها با تمسک به روایاتی که از حیث سند چندان اعتباری ندارند، قایل به تحریف قرآن شدند. آنها با حمل روایات بر ظاهرشان، نتیجه گرفتند که آیات فراوانی از قرآن حذف شده است.

## تحریف در بین مدعیان آن

- طبق برخی از این روایات یک سوم قرآن حذف شده و چیزی که به دست ما رسیده فقط دو سوم آن چیزی است که بر پیامبر وحی شده بود.
- در حالی که این روایات در مقام تفسیر یا تأویل قرآن و در مقام بیان حقیقت برخی مطالب هستند؛ نه در مقام بیان تحریف قرآن.
- و ظاهری‌ها که از یک سو به تفسیر و تأویل توجهی نداشتند و از سوی دیگر در مورد سند روایت دقت نمی‌کردند، با تمسک به ظاهر روایات، معتقد به تحریف قرآن شدند.

# تحریف در بین مدعیان آن

- با این وصف:
- اولاً: قشر کوچک و تعداد کمی از مسلمانان (اعم از شیعه و سنی) قول تحریف را پذیرفته‌اند.
- ثانیاً: آنها قایل به «تحریف به نقصان» بودند.
- ثالثاً: منشأ قول آنها روایاتی است که یا از حیث سند ضعیف هستند و یا از حیث دلالت. تحریف قرآن در آنها مطرح نشده است.

## تحریف در بین مدعیان آن

- مطلب دیگر قابل توجه، مشخص بودن موارد تحریف در نزد برخی مدعیان تحریف است. برخی از آنان که تحریف را پذیرفتند (حال چه تحریف به نقصان که از بین مسلمانان قایل دارد و چه تحریف به افزونی که غیر مسلمانان ادعا کرده‌اند یا به مسلمانان نسبت داده‌اند)، موارد تحریف را نیز مشخص کرده‌اند. مثلاً: مرحوم نوری، سوره‌ی الولاية را آن چیزی می‌داند که از قرآن حذف شده است، او این را در کتاب خویش بیان نموده است. همین طور در مورد خوارج گفته شده مشخصاً سوره‌ی یوسف را از اضافات قرآن نقل کردند و یا عبد الله بن مسعود مشخصاً معوذتین را از موارد اضافه شده به قرآن شمرده است.

## تحریف در بین مدعیان آن

- در این میان اخباری‌ها و حشویه، موارد تحریف را مشخص نکرده‌اند. آنها فقط به استناد روایات ادعا کرده‌اند که بخشی از قرآن به دست ما نرسیده است. در برخی روایات مورد تمسک آنها وارد شده است که بین فانکحوا و ما قبل آن در آیه‌ی شریفه‌ی «و ان خفتم الا تقسطوا فی الیتمی فانکحوا ما طاب لکم من النساء مثنی و ثلث و رباع» یک سوم قرآن یعنی حدود دو هزار و اندی آیه حذف شده است. اخباری‌ها و حشویه معین نکرده‌اند که آنچه حذف شده، شامل چه مواردی بوده است.

## تحریف در بین مدعیان آن

- با دقت در سخنان مدعیان تحریف معلوم می‌گردد که در مورد تحریف به افزونی معمولاً موارد تحریف نیز مشخص شده؛ اما در مورد تحریف به نقصان همه‌ی موارد ادعا شده، مشخص نگردیده است. یعنی اگر کسی قایل به «تحریف به افزونی» است، مواردی را که به قرآن افزوده شده، بیان نموده است. اما قایلان به «تحریف به نقصان» خود دو دسته‌اند، برخی موارد تحریفی را که ادعا کرده‌اند، مشخص نموده و برخی دیگر فقط حذف مواردی را ادعا کرده‌اند، اما آنها را مشخص ننموده‌اند.

## تحریف در بین مدعیان آن

- ما در بحث دلایل عدم تحریف قرآن، از این نتیجه بهره خواهیم گرفت.

## تحریف در بین مدعیان آن

- علامه طباطبایی، المیزان، ج ۱۲، ص ۱۰۷.
- واضح است در مورد خوارج دو مطلب باید مورد دقت قرار گیرد:
  - آیا آنها مسلمان به حساب می آیند؟ ب. اگر مسلمانند، آیا چنین اعتقادی داشته اند؟ اگر جواب هر دو سؤال با هم، مثبت باشد، می توان ادعای افزونی در قرآن را پذیرفت.
- ر.ک: هادوی تهرانی، صیانة القرآن عند المذاهب الاسلامیه.



## تحریف در بین مدعیان آن

- واضح است از آنجا که معیار معتبر بودن سند روایات در بین شیعه و اهل سنت با هم تفاوت دارد و دقیقاً یکی نیست، قوت و ضعف سند هر یک را با معیارهای خودشان می‌سنجیم.

## تحریف در بین مدعیان آن

- . روایات شیعه با روایات سنی یکی نیست. روایات شیعه نوعاً مربوط به تحریف آیات یا سوری است که مربوط به ولایت می باشد. از جمله مرحوم نوری در کتاب خویش سوره‌ی الولایة را جزو موارد حذفی قرآن ذکر می کند.
- . حنابله، پیروان احمد حنبل هستند. وی در بین ائمه‌ی چهار مذهب اصلی اهل سنت، ظاهری ترین آنها است. البته فرقه‌های ظاهری تر از احمد حنبل هم در تاریخ بروز یافتند که پیروان چندانی پیدا نکردند و تبدیل به یک مذهب رسمی نشدند؛ مثل داود ظاهری اصفهانی که از ظاهری‌های بسیار افراطی است.

## تحریف در بین مدعیان آن

- ناگفته نماند که وهابی‌ها نیز، حنبلی‌اند و جالب است که آنها با آن سابقه‌ی تاریخی، دایماً در جهان اسلام تبلیغ می‌کنند که شیعیان قایل به تحریف هستند و به قرآنی که مسلمانان در اختیار دارند، هیچ اعتقادی ندارند. و انقدر این دروغ را تکرار کرده‌اند که گویا این امر جزو مسلمات جهان اسلام است. از جمله کتبی که مستند وهابی‌ها در اثبات این ادعا است، کتاب مرحوم نوری می‌باشد. مرحوم نوری - که تمام کارهای بیت مرحوم میرزای شیرازی را انجام می‌داد - در کتاب خویش، سوره‌ی الولایة را جزو مواردی ذکر می‌کند که از قرآن حذف شده است. نسخ این کتاب به محض چاپ به دستور مرحوم میرزای شیرازی جمع آوری می‌شود؛ به گونه‌ای که اگر بخواهیم نسخه‌ای از آن را بیابیم، نمی‌توانیم. اما وهابی‌ها آن نسخه را پیدا کرده و بارها و بارها به آن استناد می‌کنند. یکی از کتاب‌هایی که در این زمینه نوشته شد، یک رساله‌ی دکتری است که در سه جلد تحت عنوان «مبانی اعتقادی شیعه‌ی اثنا عشری» چاپ گردید. در این کتاب منابع بسیار زیادی از شیعه ذکر گردیده که شاید ما نتوانیم آن منابع را پیدا کنیم. برخی از آن منابع نسخه‌ای از کتب خطی علمای بزرگ است. البته آنها صدر و ذیل عبارات علما را حذف و تکه‌ای را که مورد استشهاد خودشان است، گرفته‌اند. این کتاب، کتاب درسی تمام دانشگاه‌های عربستان قرار گرفت.

## تحریف در بین مدعیان آن

- در مورد اهل سنت هم گفته‌اند: آنها اعتقاد دارند که آیه‌ای مربوط به زنای شیخ و شیخه، جزو قرآن بوده و حذف شده است. اما آنچه به عنوان آیه‌ی قرآن ذکر شده، (إِذَا زَنَى الشَّيْخُ وَ الشَّيْخَةُ فَارْجُمُوهُمَا الْبُتَّةَ فَإِنَّهُمَا قَضِيَا الشَّهْوَةَ) آنقدر ناموزون و ناهماهنگ است که خودش گواه بر عدم این ادعا دارد. شایان ذکر است که حکم زنای شیخ و شیخه در روایات متعدد بیان شده است.
- . نساء، ۳.

## دلایل عدم تحریف قرآن

- دلایلی چند بر عدم تحریف قرآن دلالت دارند که در ضمن نقد و بررسی آنها، به میزان دلالت هر یک بر مطلب مذکور می پردازیم.

# دلایل عدم تحریف قرآن

أ. آیات قرآن

ب. روایات

ج. تواتر قرآن

د. اعجاز قرآن

ه. اجماع

و. دلیل عقلی

دلایل عدم  
تحریف قرآن

## دلایل عدم تحریف قرآن

• أ. آیات قرآن

- آیاتی چون «انا نحن نزلنا الذكر و انا له لحافظون» [بی تردید، ما این قرآن را به تدریج نازل کرده‌ایم، و قطعاً نگهبان آن خواهیم بود]، و «لا یأتیه الباطل من بین یدیه و لا من خلفه» [از پیش روی آن و از پشت سرش، باطل به سویش نمی‌آید] بر عدم تحریف قرآن دلالت دارند.

## دلائل عدم تحريف قرآن

- قوله تعالى: «إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ» صدر الآية مسوق سوق الحصر، و ظاهر السياق أن الحصر ناظر إلى ما ذكر من ردهم القرآن بأنه من أهدار الجنون و أنه ص مجنون لا عبرة بما صنع و لا حجر و من اقتراحهم أن يأتيهم بالملائكة ليصدقوه في دعوته و أن القرآن كتاب سماوى حق.



## دلائل عدم تحريف قرآن

- والمعنى - على هذا والله أعلم - أن هذا الذكر لم تأت به أنت من عندك حتى يعجزوك و يبطلوه بعنادهم و شدة بطشهم و تتكلف لحفظه ثم لا تقدر، و ليس نازلًا من عند الملائكة حتى يفتقر إلى نزولهم و تصديقهم إياه بل نحن أنزلنا هذا الذكر إنزالًا تدريجيًا و إننا له لحافظون بما له من صفة الذكر بما لنا من العناية الكاملة به.

## دلائل عدم تحريف قرآن

- فهو ذكر حي خالد مصون من أن يموت و ينسى من أصله، مصون من الزيادة عليه بما يبطل به كونه ذكرا مصون من النقص كذلك، مصون من التغيير في صورته و سياقه بحيث يتغير به صفة كونه ذكرا لله مبينا لحقائق معارفه.

## دلائل عدم تحريف قرآن

- فالآية تدل على كون كتاب الله محفوظا من التحريف بجميع أقسامه من جهة كونه ذكرا لله سبحانه فهو ذكر حتى خالد.
- و نظير الآية في الدلالة على كون الكتاب العزيز محفوظا بحفظ الله مصونا من التحريف و التصرف بأى وجه كان من جهة كونه ذكرا له سبحانه قوله تعالى:
- «إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِالذِّكْرِ لَمَّا جَاءَهُمْ وَإِنَّهُ لَكِتَابٌ عَزِيزٌ لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِيلٌ مِنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ» حم السجدة: ٤٢.

## دلائل عدم تحريف قرآن

- و قد ظهر بما تقدم أن اللام في الذكر للعهد الذكري و أن المراد بالوصف لحافظون هو الاستقبال كما هو الظاهر من اسم الفاعل فيندفع به ما ربما يورد على الآية أنها لو دلت على نفي التحريف من القرآن لأنه ذكر لدلت على نفيه من التوراة و الإنجيل أيضا لأن كلا منهما ذكر مع أن كلامه تعالى صريح في وقوع التحريف فيهما.
- و ذلك أن الآية بقريئة السياق إنما تدل على حفظ الذكر الذي هو القرآن بعد إنزاله إلى الأبد، و لا دلالة فيها على علية الذكر للحفظ الإلهي و دوران الحكم مداره.

## دلایل عدم تحریف قرآن

- اما اشکالاتی که در تمسک به آیات برای اثبات عدم تحریف مطرح است، مسأله‌ی دور می‌باشد.
- ما قصد اثبات عدم تحریف قرآن را داریم. اگر از خود آیات برای اثبات عدم تحریف قرآن بهره‌گیریم، دور پیش می‌آید.
- چه بسا ممکن است همان آیه‌ای که مستمسک ما است، از موارد تحریف در قرآن باشد.

## دلایل عدم تحریف قرآن

- جوابی که در رفع این دور ذکر می‌شود، این است که تحریف مطرح در مورد قرآن، تحریف به نقصان است. بنابراین در فرض پذیرش تحریف، آیات موجود، واقعاً آیه‌ی قرآنند. پس تمسک به آنها برای اثبات عدم تحریف قرآن بلامانع است.

## دلایل عدم تحریف قرآن

- بنابراین اگر تحریف به افزونی در قرآن رخ نداده باشد، آیات مذکور هم دلالت بر عدم نقصان دارند و هم دلالت بر عدم تغییر. یعنی تمسک به آیات قرآن برای اثبات مصونیت قرآن از تحریف بعد از پذیرش عدم تحریف به افزونی قابل قبول خواهد بود.

## دلایل عدم تحریف قرآن

- اما همان طور که کمی قبل بیان نمودیم، مدعیان «تحریف به افزونی»، موارد تحریف شده را مشخص نموده‌اند. از آنجا که آیات مذکور جزو موارد افزونی در قرآن نیستند، می‌توان با تمسک به آنها، هر گونه تحریفی را از قرآن نفی نمود.



## دلایل عدم تحریف قرآن

- به عبارت دقیق‌تر، این آیات نمی‌توانند احتمال تحریف را از خودشان نفی نمایند، اما اگر اثبات نمودیم که حتماً این آیات جزو قرآن هستند، می‌توانیم احتمال هر گونه تحریفی را از قرآن رفع کنیم.

## دلایل عدم تحریف قرآن

- بنابراین اگر کسی
- اولاً تحریف به افزونی را بپذیرد
- و ثانیاً آیات محل بحث را جزو موارد اضافه شده به قرآن بداند یا حداقل احتمال افزونی آنها را بدهد،
- نمی‌تواند برای اثبات مصونیت قرآن از تحریف به این آیات تمسک نماید و ما هم نمی‌توانیم در مقابل او به این آیات استناد کنیم.

## دلایل عدم تحریف قرآن

- در واقع این نوعی استدلال جدلی خواهد بود:
- در صورت پذیرش عدم افزونی آنها، دلالتشان بر عدم تحریف واضح است؛ اما در صورت پذیرش افزونی آنها، دلالتی بر ادعا ندارند.

## دلایل عدم تحریف قرآن

- ب. روایات
- روایاتی که برای اثبات مصونیت قرآن از تحریف به آنها تمسک شده است به چهار گروه قابل طبقه‌بندی هستند:
- ۱. روایات عرضه به قرآن:
- ۲. روایات ثقلین:
- ۳. روایات دال بر ثواب قرائت سوره‌های قرآن:
- ۴. روایات دال بر فضیلت انس با قرآن و قرائت آن:

# دلایل عدم تحریف قرآن

۱. روایات عرضه به قرآن

۲. روایات ثقلین

۳. روایات دال بر ثواب قرائت سوره‌های  
قرآن

۴. روایات دال بر فضیلت انس با قرآن و  
قرائت آن

ب. روایات  
مصونیت قرآن از  
تحریف

## دلایل عدم تحریف قرآن

- ۱. روایات عرضه به قرآن:
- این گروه خود به دو دسته تقسیم می شوند:

## دلایل عدم تحریف قرآن

- ۱. ۱. روایاتی که در آنها اهل بیت علیهم السلام فرمودند: هر مطلبی که از ما به شما می‌رسد، بر قرآن عرضه کنید. اگر با قرآن سازگار بود، آن را بپذیرید و اگر با قرآن مخالف بود، آن را کنار بگذارید.

## دلایل عدم تحریف قرآن

• ۱- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص إِنْ عَلِيَ كُلِّ حَقٍّ حَقِيقَةً وَعَلِيَ كُلِّ صَوَابٍ نُورًا فَمَا وَافَقَ كِتَابَ اللَّهِ فَخُذُوهُ وَمَا خَالَفَ كِتَابَ اللَّهِ فَدَعُوهُ

• ۳- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُؤَيْدٍ عَنْ يَحْيَى الْحَلَبِيِّ عَنْ أَيُّوبَ بْنِ الْحُرِّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ كُلُّ شَيْءٍ مَرْدُودٌ إِلَى الْكِتَابِ وَالسُّنَّةِ وَكُلُّ حَدِيثٍ لَا يُوَافِقُ كِتَابَ اللَّهِ فَهُوَ زُخْرَفٌ



## دلائل عدم تحريف قرآن

• ٤- مُحَمَّدُ بْنُ يُحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عَيْسَى عَنْ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ عُقْبَةَ عَنْ أَيُّوبَ بْنِ رَاشِدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ مَا لَمْ يُوَافِقْ مِنَ الْحَدِيثِ الْقُرْآنَ فَهُوَ زُخْرَفٌ

• ٥- مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنِ هِشَامِ بْنِ الْحَكَمِ وَغَيْرِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ خَطَبَ النَّبِيُّ ﷺ صِّبْمِنِي فَقَالَ أَيُّهَا النَّاسُ مَا جَاءَكُمْ عَنِّي يُوَافِقُ كِتَابَ اللَّهِ فَإِنَّا قُلْتُهُ وَمَا جَاءَكُمْ يُخَالِفُ كِتَابَ اللَّهِ فَلَمْ أَقُلْهُ (الكافي ج : ١ ص : ٦٩)

## دلایل عدم تحریف قرآن

- ۱. ۲. روایاتی که در آنها اهل بیت علیهم السلام فرمودند: اگر دو روایت با یکدیگر تعارض داشتند، آن که موافق قرآن است، بپذیرید و آن که مخالف قرآن است کنار بگذارید.
- قال إذا ورد لكم خبران مختلفان فما وافق كتاب الله تعالى و سنتی فخذوا به و ما خالف الكتاب و السنة فاطرحوه (العمدة ص : ۸۴)

## دلائل عدم تحريف قرآن

- قُلْتُ فَإِنْ كَانَ الْخَبْرَانِ عَنْكُمَا مَشْهُورَيْنِ قَدْ رَوَاهُمَا الثَّقَاتُ عَنْكُمْ قَالَ يُنْظَرُ فَمَا وَافَقَ حُكْمُهُ حُكْمَ الْكِتَابِ وَالسُّنَّةِ وَخَالَفَ الْعَامَّةَ فَيُؤْخَذُ بِهِ وَيُتْرَكُ مَا خَالَفَ حُكْمَهُ حُكْمَ الْكِتَابِ وَالسُّنَّةِ وَوَافَقَ الْعَامَّةَ (الكافي ج : ١ ص : ٦٨)

## دلائل عدم تحريف قرآن

- ٢- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبَانَ بْنِ عُمَانَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِي يَعْفُورٍ قَالَ وَحَدَّثَنِي حُسَيْنُ بْنُ أَبِي الْعَلَاءِ أَنَّهُ حَضَرَ ابْنَ أَبِي يَعْفُورٍ فِي هَذَا الْمَجْلِسِ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَ عَنْ اخْتِلَافِ الْحَدِيثِ يَرُويهِ مَنْ نَثَقُ بِهِ وَ مِنْهُمْ مَنْ لَّا نَثَقُ بِهِ قَالَ إِذَا وَرَدَ عَلَيْكُمْ حَدِيثٌ فَوَجَدْتُمْ لَهُ شَاهِدًا مِنْ كِتَابِ اللَّهِ أَوْ مِنْ قَوْلِ رَسُولِ اللَّهِ صَ وَ إِلَّا فَالَّذِي جَاءَكُمْ بِهِ أَوْلَى بِهِ (الكافي ج : ١ ص : ٦٩)

## دلایل عدم تحریف قرآن

- در هر دو دسته بحث مخالفت و موافقت با قرآن مطرح شده است؛ اما این مخالفت و موافقت در هر یک با دیگری متفاوت است. مقصود از مخالف قرآن در دسته اول، آن روایتی است که قابل جمع دلالتی با قرآن نیست.

## دلایل عدم تحریف قرآن

- در اصطلاح می‌گوییم تعارض تباینی دارد یا عموم و خصوص من وجه است که در محل اجتماع، روایت از درجه‌ی اعتبار ساقط می‌شود. این دسته به مسأله‌ی تعارض کاری ندارند و به صورت کلی بیان می‌کنند که معیار پذیرش سخن ائمه علیهم السلام، عدم مخالفت با قرآن است.

## دلایل عدم تحریف قرآن

- از این رو، حتی اگر روایت با هیچ روایت دیگر در تعارض نباشد، در صورت مخالفت با قرآن کنار گذارده می‌شود. یا به بیان دیگر این روایت در همان ابتدا از درجه‌ی اعتبار ساقط است و دیگر مجالی برای تعارض آن با روایات دیگر نیست.

## دلایل عدم تحریف قرآن

- اما مقصود از مخالفت با قرآن در دسته‌ی دوم، آن روایتی است که اگر چه قابل جمع دلالتی با قرآن است؛ ولی با روایت یا روایات دیگر در تعارض می‌باشد.
- به بیان دیگر در ظرف تعارض با ظاهر قرآن مخالفت ابتدایی دارد، به گونه‌ای که اگر معارض نبود، این روایت می‌توانست قرآن را تخصیص زند یا آن را تقیید کند، ولی چون از بین روایات معتبر، روایتی با آن در تعارض است، از درجه‌ی اعتبار ساقط می‌شود.



## دلایل عدم تحریف قرآن

- آنچه در روایات عرضه به قرآن، در بحث اثبات صیانت قرآن از تحریف، مورد استناد ما است، قرآنی است که ائمه علیهم السلام از آن سخن گفته‌اند. یقیناً آنها از قرآنی سخن می‌گفتند که بر پیامبر وحی شده و در دست مردم است؛ نه قرآنی که بر پیامبر وحی شده ولی به دست مردم نرسیده است.

## دلایل عدم تحریف قرآن

- اگر آنها قرآن را به عنوان معیاری برای سنجش سخنان خود معرفی می‌کنند، قرآنی را مد نظر داشتند که امکان دست‌یابی مردم به آن ممکن بوده است.
- اگر قرآن تحریف شده بود و مردم امکان دست‌یابی به آن را نداشتند چگونه می‌توانستند صحت سخنان ائمه علیهم السلام را محک بزنند؟
- یا چگونه ائمه علیهم السلام معیار صحت روایات خود را عرضه به چنین قرآن محرفی معرفی می‌کردند؟

## دلایل عدم تحریف قرآن

- بدیهی است بعد از واضح شدن اصل دلیل، باید میزان دلالت آن را بر ادعای مورد نظر بررسی نماییم:

## دلایل عدم تحریف قرآن

- روایات عرضه به قرآن، قطعاً تحریف به افزونی را در مورد قرآن نفی می‌کنند.
- زیرا اگر دیگران مجعولات خویش را وارد قرآن کرده باشند، یقیناً می‌توانستند روایاتی را هم جعل کنند که در هنگام عرضه به قرآن با آن آیات جعل شده سازگاری داشته باشد.
- وقتی ائمه علیهم السلام می‌فرمایند: مطالب ما را با قرآن بسنجید، نباید در قرآن چیزی جعل شده باشد که زمینه‌ی استفاده‌ی جاعلان روایت را فراهم آورد.

## دلایل عدم تحریف قرآن

- اما در مورد «تحریف به نقصان» چطور؟ آیا این روایات می‌توانند «تحریف به نقصان» را نیز نفی نمایند؟ این مطلبی است که نیاز به بررسی بیشتری دارد.

## دلایل عدم تحریف قرآن

- فرض کنید: مطلب حقی از موارد وحی الهی، از قرآن حذف شده باشد (یعنی تحریف به نقصان) و امام معصوم علیه السلام مطلبی بفرمایند که با آن بخش حذف شده سازگار باشد، در حالی که با موارد دیگر و آیات دیگر قرآن که ذکر شده‌اند، هیچ توافقی نداشته باشد.

## دلایل عدم تحریف قرآن

- این فرض یکی از احتمالاتی است که در صورت تحریف به نقصان قابل تصور است و مسلماً روایات عرضه این فرض و احتمال را نفی می‌کند.

## دلایل عدم تحریف قرآن

- زیرا اگر چیزی از قرآن حذف شده باشد که مطلب حق ائمه علیهم السلام مربوط به همان بخش حذف شده باشد، قرآن نمی تواند معیار صدق کلام آنها قرار گیرد.



## دلایل عدم تحریف قرآن

- به بیان دیگر، کلام قرآن حق است و کلام امام معصوم هم حق است. اگر این حق نتواند بر آن حق تطبیق کند، معیار صدق نیز از بین می‌رود، و نمی‌بایست ائمه علیهم السلام به طور کلی مردم را به عرضه‌ی روایات به قرآن دعوت نمایند.
- آنها باید می‌فرمودند، بعضی از کلمات ما را با قرآن بسنجید و صحت و سقم آنها را بیابید. بنابراین روایات عرضه نسبت به آنچه در کلمات ائمه علیهم السلام آمده، تحریف به نقصان را نفی می‌کنند.

## دلایل عدم تحریف قرآن

- بدیهی است یک مورد از حیطه‌ی **روایات** عرضه به قرآن برای اثبات مصونیت قرآن از تحریف خارج است. آن مورد عبارت است از این که: فرض کنیم برخی آیات قرآن حذف شده‌اند؛ اما ائمه علیهم السلام مطلبی که مربوط به این آیات باشد، بیان ننموده‌اند. روایات عرضه به قرآن نمی‌توانند احتمال تحریف را در این فرض نفی کنند.

## دلایل عدم تحریف قرآن

- بله از آنجا که ائمه علیهم السلام، حافظان قرآن (حفاظت کنندگان حقیقت وحی) بودند، مسئولیت داشتند که اگر حذفی در قرآن صورت گرفته بیان نمایند؛ اما این بحثی دیگر و چه بسا دلیل دیگر بر عدم تحریف قرآن است و خارج از نطاق بحث ما در این قسمت می باشد.

## دلایل عدم تحریف قرآن

- آنچه اینجا مورد نظر است، بیان میزان دلالت آیات عرضه به قرآن برای اثبات عدم تحریف است. و این روایات فی حد نفسه:
- اولاً: احتمال تحریف به افزونی را نفی می‌کنند.
- ثانیاً: احتمال تحریف به نقصان را در حیطه‌ی کلمات و سخنان ائمه علیهم السلام نفی می‌کنند.
- ثالثاً: نسبت به تحریف قرآن در حیطه‌ای که ائمه علیهم السلام سخنی در مورد آیات حذف شده، ندارند، ساکتند و نمی‌توانند تحریف به نقصان را در این صورت نفی نمایند.

## دلایل عدم تحریف قرآن

- واضح است اگرچه روایات عرضه به قرآن، احتمال اخیر را نفی نمی‌کنند، اما آن را اثبات هم نمی‌کنند.
- از سوی دیگر احتمال باقی مانده، احتمال بسیار بسیار ضعیفی است. بنابراین می‌توان گفت: آنچه را که روایات عرضه به قرآن اثبات می‌نمایند، محدودی وسیعی است.

## دلایل عدم تحریف قرآن

- نکته‌ی آخری که در مورد میزان دلالت این روایات در اثبات مصونیت قرآن از تحریف، باید بیان نمود، این است که:

## دلایل عدم تحریف قرآن

- روایات عرضه به قرآن نشان می‌دهند که قرآن تا زمان صدور این روایات، تحریف نشده بود؛ اما نسبت به بعد از زمان صدور، ساکت می‌باشند.
- زیرا مضمون این روایات چنین است: «مطلبی را که دارد نقل می‌شود، به قرآن عرضه کنید؛ اگر موافق قرآن یافتید بگیرید، و اگر مخالف قرآن بود کنار بگذارید».

## دلایل عدم تحریف قرآن

- این بیان، نشانگر آن است که قطعاً قرآن تا زمان صدور روایات، تحریف نشده بوده است، از این رو، مخاطبان به قرآن ارجاع داده می شدند.
- اما نسبت به زمان بعد از صدور، چطور؟ آیا می توانیم عدم تحریف قرآن را بعد از آن زمان نیز اثبات کنیم؟



## دلایل عدم تحریف قرآن

- اگر دقت کنیم، درمی یابیم که احتمال تحریف، مربوط به فاصله‌ی زمانی رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و خلافت عثمان است که قرآن جمع می‌گردد و واحد می‌شود. بعد از زمان عثمان، بحث متواتر بودن قرآن مطرح می‌باشد. حال اگر بتوانیم عدم تحریف را تا زمان عثمان ثابت نماییم، دیگر بعد از آن با هیچ مشکلی در این مورد مواجه نخواهیم بود.

## دلایل عدم تحریف قرآن

- بنابراین روایات عرضه به قرآن که خیلی بعد از این زمان صادر شده‌اند و مربوط به زمان امام صادق علیه السلام و ائمه‌ی بعد از وی می‌باشند، می‌توانند در محدوده‌ی دلالت خویش، نقش بسزایی در اثبات مصونیت قرآن از تحریف ایفا نمایند.

## دلایل عدم تحریف قرآن

- ۲. روایات ثقلین:
- این روایات را هم شیعه و هم اهل سنت، به صورت متعدد و متواتر نقل کرده‌اند. پیامبر اسلام در این روایات فرموده‌اند: «انی تارک فیکم الثقلین، کتاب الله و عترتی اهل بیتی، فلم یفترقا حتی یردا علی الحوض» [من دو چیز گرانبها را در میان شما به یادگار می‌گذارم، کتاب خدا و عترتم (سنت) را؛ آن دو از هم جدا نمی‌شوند تا در کنار حوض کوثر بر من وارد شوند].

## دلایل عدم تحریف قرآن

- محل استفاده‌ی ما از این روایت به شرح زیر است:

- بدون شک مراد پیامبر از قرآن، کتابی بوده که به خود وی، وحی شده است. از آن سو، با عبارت «کتاب و سنت تا روز قیامت از هم جدا نمی‌شوند»، معلوم می‌گردد که قرآن گرفتار تحریف و تغییر نخواهد شد. زیرا اگر کتاب دستخوش تحریف گردد، بین کتاب و سنت تفرقه ایجاد شده است. یعنی اهل بیت علیهم السلام هستند، اما کتاب در بین مردم نیست.

## دلایل عدم تحریف قرآن

- این مطلب، استفاده‌ای ابتدایی است که دیگران از این روایت کرده‌اند. اما در دلیل عقلی عدم تحریف قرآن، به نکته‌ای که مورد نظر این روایت هم هست، اشاره خواهیم کرد و در آنجا خواهیم گفت که این گروه از روایات، در صدد بیان مطلبی مهم-تر هستند. همچنین در آنجا روشن خواهد شد که شعاع دلالت این روایات بر عدم تحریف، همه‌ی اقسام تحریف را در بر می‌گیرد و هر گونه افزونی، نقصان و تغییری را از قرآن نفی می‌نماید.

## دلایل عدم تحریف قرآن

- . حجر، ۹.
- . فصلت، ۴۲.
- . بعدها در بحث سنت و در خود مباحث علم اصول به توضیح بیشتری در این زمینه می‌پردازیم.
- . یا مانند این که دو روایت معارض از ائمه علیهم السلام ذکر شده که هیچ کدام از آنها را موافق با قرآن نیابیم؛ در حالی که اگر آیات محذوف وجود داشت، یکی از آنها موافق قرآن بود.
- . یادآور می‌شویم که ادعای تحریف (چه تحریف به افزونی و چه تحریف به نقصان) در بین شیعه و غیر شیعه و حتی در بین غیر مسلمانان مربوط به همین فاصله‌ی زمانی است. هیچ کس ادعای تحریف قرآن را نسبت به بعد از زمان عثمان ندارد.
- . جناب آقای واعظ زاده کتاب یا مقاله‌ای در این مورد دارند که به صورت مفصل، این روایت را مورد بحث قرار داده و یادآور شده‌اند که این روایت در اسناد شیعه و سنی مکرراً وارد شده است.

## دلایل عدم تحریف قرآن

- ۳. روایات دال بر آثار یا ثواب خاص قرائت سوره‌های قرآن:
- از ائمه‌ی اطهار علیهم السلام روایات متعددی وارد شده برای بیان میزان ثوابی که قرائت سوره‌های متعدد قرآن دارند. تقریباً برای تمام سوره‌های قرآن، روایت یا روایاتی ذکر شده که در آنها آثار یا ثواب قرائت سوره بیان شده است.

## دلایل عدم تحریف قرآن

- یقیناً ائمه علیهم السلام، سوره‌هایی را مورد نظر داشتند که در بین مردم بوده است. اگر این سوره‌ها دچار افزونی یا کاستی شده‌اند، نمی‌بایست ائمه علیهم السلام، ثواب یا آثار قرائت آنها را بیان می‌کردند. زیرا احتمال این که بر مجعولات بشری نیز همین آثار مترتب گردد، وجود ندارد.



## دلایل عدم تحریف قرآن

- در تمسک به این روایات دو نکته را باید توجه نمود که با آنها شعاع دلالت این گروه از روایات نیز روشن می‌گردد:
- ا. اگر این استدلال کامل باشد، فقط می‌تواند عدم تحریف را تا زمان امامی که این روایت از او صادر شده است، ثابت نماید.
- ب. این استدلال، فقط نسبت به سوره‌ها و آیاتی درست است که روایتی در مورد آنها وارد شده باشد. اگر سوره‌ای باشد که در ذیلش، روایت معتبری دال بر ثواب قرائت یا آثار وضعی دیگر نداشته باشد، استدلال در مورد آن صادق نخواهد بود.

## دلایل عدم تحریف قرآن

- اما همان طور که اشاره کردیم تحریف ادعا شده مربوط به فاصله‌ی زمانی رحلت حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خلیفه‌ی سوم است و هیچ کس ادعا نکرده که قرآن پس از آن زمان تحریف شده است.
- از سوی دیگر ما در مجموع، در مورد قرائت همه‌ی سوره‌ها روایت یا روایاتی داریم. با توجه به این مطالب می‌توان این گروه را جزو ادله‌ی صیانت قرآن از تحریف به حساب آورد.

## دلایل عدم تحریف قرآن

- ۴. روایات دال بر فضیلت انس با قرآن و قرائت آن:
- روایات متعددی وارد شده مبنی بر این که قرائت قرآن به صورت کلی فضیلت دارد و ثواب زیادی بر آن مترتب است؛ مثل تأکیداتی که در مورد ختم قرآن در ماه مبارک رمضان یا در مکان‌های خاص یا آنچه در مورد ثواب حفظ قرآن بیان شده است.

## دلایل عدم تحریف قرآن

- بدون شک در همه‌ی این روایات، قرآنی مورد نظر بوده که در دست مردم است. و یقیناً قرآنی که در آن افزونی یا کاستی رخ داده باشد و با این فزونی و کاستی با نوعی نقص مواجه باشد، از چنین فضیلتی برخوردار نیست.
- اگر قرآن دچار تحریف شده بود، می‌بایست ائمه علیهم السلام بیان می‌کردند که آنچه ذکر شده مربوط به قرآن واقعی است که در دست مردم نیست. در حالی که آنان چنین چیزی نگفته‌اند. بنابراین، با تمسک به این گروه نیز می‌توان عدم تحریف قرآن را ثابت نمود.

## دلایل عدم تحریف قرآن

- شایان ذکر است که این گروه از روایات همچون روایات گروه اول و گروه سوم، فقط عدم وقوع تحریف را تا زمان امامی که روایت از او صادر شده، ثابت می‌نمایند و بر بیش از آن ساکتند. اما با توجه به زمانی که مدعیان تحریف، تحریف را به قرآن نسبت داده‌اند، می‌توان به این گروه از ادله نیز تمسک جست. واضح است که مطلب فوق (محدوده‌ی زمانی دلالت روایات گروه اول، سوم و چهارم) در مورد گروه دوم روایات یعنی روایات ثقلین وجود ندارد.

## دلایل عدم تحریف قرآن

- اینک بعد از این که تک تک گروه‌های چهارگانه را مورد بررسی قرار دادیم، باید به نکته‌ای که در مورد کل این روایات وجود دارد و تقریباً مورد توجه قرار نگرفته است، اشاره نماییم:

## دلایل عدم تحریف قرآن

- از مجموع روایات، مطلب دیگری را که فراتر از مطالب گذشته است، می‌توانیم استفاده کنیم. آن مطلب این است که در نظر ائمه علیهم السلام قرآن تحریف نشده بود و به بیان دقیق‌تر، این روایات به ظاهر مختلف، همگی در این معنا که قرآن از تحریف مصون است، تواتر معنایی دارند.

## دلایل عدم تحریف قرآن

- یعنی اگرچه وقتی به خود روایات مراجعه می‌کنیم، آنها را روایات آحاد می‌یابیم که از حیث اعتبار سندی نیازمند بررسی هستند، اما وقتی به مجموع روایات نگاه می‌کنیم، به تلقی اهل بیت علیهم السلام در مورد قرآن و مصونیت آن از تحریف پی می‌بریم.



## دلایل عدم تحریف قرآن

- از آن سو، وقتی به روایاتی که مستمسک اخباری‌ها است مراجعه می‌کنیم، در می‌یابیم که:

## دلایل عدم تحریف قرآن

- اولاً: تعداد این روایات بسیار اندک است.
- ثانیاً: بخشی از آنها قابل تأویل است، یعنی معنای روایات این نبوده که در قرآن دخل و تصرفی شده است.
- ثالثاً: برخی از آنها که دلالت بر تحریف دارند، اضافه بر این که سنداً مخدوش هستند، به لحاظ دلالت نیز بسیار بسیار غیر معقولند.

## دلایل عدم تحریف قرآن

- نمونه‌های زیر که قبلاً هم به آنها اشاره کرده‌ایم، گواه بر این مطلب است:

## دلایل عدم تحریف قرآن

- در روایاتی که مربوط به **مصحف علی** علیه السلام است و اخباری‌ها به آن تمسک کرده‌اند، چندین تفسیر وجود دارد که حاصل همه آنها این است که مصحف علی یک تفسیر بوده است که حضرت ناسخ و منسوخ، محکم و متشابه، عام و خاص یا قرائت صحیح و یا... را در مصحف خویش ذکر کرده ولی کسی به آن اعتنا نکرده است.

## تحريف در بين مدعيان آن

- و يجب أن يقرأ بالمتواتر من الآيات و هو ما تضمنه **مصحف علي** عليه السلام؛ لأن أكثر الصحابة اتفقوا عليه، و حرق عثمان ما عداه، فلا يجوز أن يقرأ بمصحف ابن مسعود، و لا أبيّ، و لا غيرهما، و عن أحمد رواية بالجواز إذا اتصلت به الرواية «٥»، و هو غلط لأن غير المتواتر ليس بقرآن.

## دلایل عدم تحریف قرآن

- ۵۰- یر، [بصائر الدرجات] مُحَمَّدُ بْنُ عِيسَى عَنْ الْأَهْوَازِيِّ عَنْ فَضَّالَةَ عَنْ قَاسِمِ بْنِ بُرَيْدٍ عَنْ مُحَمَّدٍ عَنْ أَحَدِهِمَا عَ قَالَ إِنَّ عِنْدَنَا صَحِيفَةً مِنْ كِتَابِ عَلِيِّ عَ أَوْ مُصْحَفِ عَلِيِّ عَ طُولُهَا سَبْعُونَ ذِرَاعاً فَحَنُّ نَتَّبَعُ مَا فِيهَا فَلَا نَعْدُوهَا